



کمیسیونهای این گردهمایی را در شماره‌های بعدی مجله مبلغان بخوانید.

هجرت بلند مدت

«الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»؛
 «[پیامبران پیشین] کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر است.»

حضور در جمع صمیمی، و با

اشاره:

دومین گردهمایی مبلغان هجرت بلند مدت حوزه علمیه قم، با حضور گسترده مبلغان مهاجر، در خرداد ماه سال جاری برگزار شد. اولین سخنران صبح این گردهمایی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، مسئول محترم دفتر مقام معظم رهبری بودند. آنچه در ذیل می‌خوانید، گزیده‌ای از سخنان ایشان در موضوع «شرایط موفقیت مبلغان مهاجر» است.

چکیده دیگر سخنرانیها و همچنین جمع‌بندی مطالب

نشاط و باصفای شما عزیزان، برای بنده سعادت بزرگی است. شخصیت‌های ارزشمندی که با قبول زحمتِ هجرت و دوری از شهر و دیار خود و سکونت در اقصی نقاط کشور، به قصد تبلیغ و انجام رسالت و وظیفه خطیر بیان عقائد و احکام و اخلاق و تفسیر قرآن و در یک کلمه هدایت مردم نیازمند، انجام این وظیفه را به عهده گرفته‌اید. انشاء الله خداوند از شما قبول کند. دیروز که می‌خواستم از محضر آقا (مقام معظم رهبری مد ظله العالی) برای شرکت در این جمع اجازه بگیرم، ایشان به همه شما سلام رساندند. از اینکه این حرکت انقلابی که اول نهالی بود و کم‌کم بحمد الله در اثر درایت و مدیریت صحیح، درخت تناوری می‌شود و انشاء الله به آنجا رسیده است که «تَوْتَمَّيْ اُكْلَهَا كُلُّ حَسْبٍ»^۱ و ثمرات و برکات این حرکت مقدس و جنبش عظیم - که تحت عنوان نام هجرت انجام می‌شود - روز به روز بیشتر خواهد شد، بسیار خوشحالم.

تاریخ بشریت سابقه دارد و اساس کار انبیاء اولوالعزم بوده است. سردمدار مهاجران فی سبیل الله ابراهیم خلیل الرّحمن است که برای انجام رسالت و در جهت ادای وظیفه خود به یک سرزمین خشک و بسی آب و علف هجرت کرد و تنها فرزندش را در آنجا رها نمود و فقط روی سخنش با خدای تبارک و تعالی بود که: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»^۲؛ «پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علف، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را بر پا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز.»

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از این هجرت از خداوند متعال درخواست کرد که قلوب مردم را به خانواده‌اش و آن سرزمین متوجه کند و آنها را تحت حمایت خود قرار دهد و از روزگار

۱. ابراهیم/۲۵. یعنی: «هر زمان میوه خود را می‌دهد.»

۲. ابراهیم/۳۷.

هجرت، عامل موفقیت پیامبران

هجرت موضوعی است که در

گذشته دیده شده است و امروز می‌بینیم و تا آخر دنیا هم این دعا در حال اجابت خواهد بود. این نتیجه و برکت هجرت آن حضرت است.

بنابراین، عامل اساسی در موفقیت پیامبران بزرگ، همان مهاجرت بوده است. و مبلغان مهاجر پیرو و رهرو آن پیامبرانند و باید قدر خود و کار خود را بدانند.

شرایط هجرت

این هجرت و حرکت خداپسندانه - که موجب شادی قلب رهبر معظم انقلاب شده است - شرایطی دارد و لازم است این شرایط در آن رعایت گردد.

۱. اخلاص در عمل

این کار و حرکت فقط باید برای خدا باشد و بس. در کتاب ارزشمند «مُنْبِیَةُ الْمُرِيدِ» تألیف شهید ثانی حدیثی از قول رسول گرامی اسلام نقل شده است که: «أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَآتَمَّا لِكُلِّ أَمْرٍ مَاتَوِي»؛ ارزش اعمال به نیت آن است و هر کس آنچه را نیت کرده است دریافت می‌کند. آن حضرت در ادامه

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در هجرت به مقام کلیم اللّهی نائل شد. اگر آن حضرت در شهر خود می‌ماند و هجرت نمی‌کرد معلوم نبود که چه می‌شد؛ اما آنگاه که در شب تاریک و بارانی و بیابان سرد و در هنگام درد زایمان خانواده‌اش گفت: بایستید تا من بروم و از آتشی که از دور افر وخته شده است، شعله‌ای برایتان فراهم کنم تا گرم شوید، از شش جهت این صدا به گوشش خورد که: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»؛ «من پروردگار توام؛ کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی.»

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم اگر هجرت نمی‌کردند و از مکه پا بیرون نمی‌گذاشتند و در شهر خودشان می‌ماندند، معلوم نبود که تاریخ اسلام چه سرنوشتی پیدا می‌کرد. هجرت با برکت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موجب تشکیل

خاموش کردن این نوری که در کشور اسلامی ایران فروزان شده است، همهٔ مساعی خود را به کار می‌برند و هرچه در توان داشته باشند انجام می‌دهند. آمریکا تا سر حد امکان از امکانات مادی، فرهنگی، تبلیغی و حتی نظامی خود در جهت خاموش کردن این ندای حق که از این کشور به جهان بلند شده است استفاده می‌کند و می‌توان گفت: این روزها؛ نه سالها و ماهها، بلکه همین روزها برای ما سرنوشت ساز است.

شما که لباس مقدس سربازی حضرت ولی عصر علیه السلام را بر تن دارید، و اعلام کرده‌اید که آقا و مولایمان امام زمان علیه السلام است و به حمایت و هدایت آن بزرگوار در انجام وظایف خود تقین دارید، باید همانند سربازی تیزهوش و فداکار از کید دشمن آگاه باشید. کسی که لباس سربازی یک نظام را می‌پوشد، با پوشیدن این لباس به همگان اعلام می‌کند که من نیروی مسلح این نظام هستم و در هر نقطه‌ای از کشور که

می‌فرمایند: «فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَبْتَغِيهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَا جَزَّ إِلَيْهِ»^۱ هر کس در هجرتش خدا و رسول او را در نظر گیرد، به سوی خدا و پیامبر او هجرت نموده است و هر کس به خاطر دنیایی که به آن دست می‌یابد یا زنی که با او ازدواج می‌کند هجرت کند، [دریافت او] از هجرتش همان چیزی است که به سوی آن هجرت کرده است.»

هیچ بهایی برای عمر ما جز رضایت خدا ارزش ندارد. صرف وقت و جوانی و حرکت از دیار خود و تحمل مشقتهاى فراوان برای هجرت، اگر برای خدا باشد ارزشمند است و خداوند برکت را در همین اخلاص قرار می‌دهد، وگرنه عمر تلف کردن و فرصت از دست دادن و حرکتی بی‌ارزش خواهد بود.

۲. آگاهی از کید دشمن

ما الان در یک وضعیّت بسیار عجیبی به سر می‌بریم. دنیای ما دنیای کفر است و همینک کشورهای مختلف و در رأس آنها آمریکای جنایتکار برای

۱. منیة المرید، ص ۱۳۲.

رسالت خطیرمان لازم است، آگاهی از نقشه دشمن می‌باشد.

هدف دشمن این است که ارزشهای اسلام را زیر پاله کند. اگر در تبلیغات خودش با نهادهای انقلاب مقابله و مبارزه می‌کند نیز به همین منظور است. الان یورش به اصل مترقی ولایت فقیه در رأس حمله دشمن قرار دارد. نوشته‌ها، گفته‌ها، برنامه‌های رادیویی و مصاحبه‌های آنها با افراد مریض و مسئله‌دار همه و همه در جهت حمله به این اصل مترقی هماهنگ شده است و دلیل این حرکت نیز این است که نظام اسلامی حول محور ولایت فقیه برپاست.

قبل از فروپاشی شوروی سابق، دنیا به دو قطب تقسیم شده بود: یکی نظام سرمایه‌داری بود که در رأس آن آمریکا قرار داشت و اساس کار آنها بر احترام به سرمایه بود و حالا هم هست. هر که پول بیشتری دارد، ارزش بیشتری دارد. هر که کارخانه‌ی زیادتتری دارد، ارزش زیادتتری دارد و اساساً؛ پول است که حاکمیت می‌کند و بس! انتخابات و تشکیل مجالس و رفتن

هیچ بهایی برای عمر ما
جز رضایت خدا ارزش
ندارد. صرف وقت و جوانی
و حرکت از دیار خود و
تحمل مشقتهای فراوان
برای هجرت، اگر برای
خدا باشد ارزشمند است و
خداوند برکت را در همین
اخلاص قرار می‌دهد،
وگرنه عمر تلف کردن و
فرصت از دست دادن و
حرکتی بی‌ارزش خواهد
بود.

خطری متوجه نظام شود، از آن دفاع می‌کنم. ما که لباس مقدس روحانیت را به تن کرده‌ایم نیز معنایش همین است و اولین شرطی که در جهت انجام

دنیا بفهمند راه دیگری وجود دارد که می‌تواند آنها را سعادتمند کند، آنها بی‌مشتری می‌مانند. برای همین است که با ولایت فقیه دشمنی می‌کنند.

از بعضی دوستان و هموعان خودمان جای این گلایه وجود دارد که گاهی در گوشه و کنار سخنانی را مطرح می‌کنند و توجه ندارند که چه اتفاقی در این کشور افتاده است.

آن زمانی که ما طلبه بودیم و درس می‌خواندیم (چهل سال قبل)، گاهی یک پاسبان معمولی درب خانه یک مرجع تقلید می‌ایستاد و می‌گفت: کسی حق ندارد به این خانه وارد شود و کسی حق ندارد بیرون بیاید و آقا و بیتش را در خانه زندانی می‌کرد. آیا این جای افتخار نیست که امروز شخصیتی روحانی، فرزند پیغمبر، کسی که از هر نظر آماده خدمت به مردم است، انسان وارسته‌ای که زندگیش نزد دوست و دشمن زبانه‌زده است، فرماندهی بیش از یک میلیون نیروی مسلح را به عهده دارد؟

بنده نمی‌توانم خفایا و زوایای زندگی آن بزرگوار را بیان کنم؛ شاید

نمایندگان آنها به مجلس نیز بر همین اساس است و بنیان و اساس حکومت بر اصل نظام سرمایه‌داری بنا نهاده شده است.

در مقابل آنها نظام کمونیسم قرار داشت و حرفه‌ایی را دهها سال به خورد مردم داد و بیش از نصف جهان را در اختیار گرفت و با پیش‌بینی عجیبی که حضرت امام علیه السلام داشتند، در هم فرو ریخت و از بین رفت.

در این میان، خورشیدی در ایران طلوع کرد و نظام اسلامی استقرار یافت و حرف تازه‌ای تحت عنوان مردم‌سالاری دینی دارد و می‌گوید: می‌شود نه نظام سرمایه‌داری را قبول کرد و نه نظام کمونیسم را؛ راه سوّمی برای نجات بشریت وجود دارد و آن نظام مردم‌سالاری دینی است که در رأس آن شخصی عادل، اندیشمند، مجتهد و مبرّی از هرگونه نقص (از نظر ظاهر) به نام ولایت فقیه قرار دارد. این حرف، سخن تازه‌ای است که با مطامع مستکبران شرق و غرب سازگار نیست و بساط آنها را در هم می‌ریزد. اگر این نظام در جهان جا بیفتد و مردم

خواهد بود که حوزه مقدسه علمیه - که الحمد لله برکات فراوانی داشته و دارد - مبلغان محترم را از نظر اطلاعات لازم پشتیبانی کند و البته چنین چیزی کم و بیش وجود دارد. افراد از طریق مطالعه روزنامه‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر هم می‌توانند از اوضاع مطلع شوند.

نیرنگها

الف) آلوده ساختن کارگزاران:

یکی از اهداف دشمن این است که به هر وسیله ممکن کارگزاران را آلوده کند. مقصود از کارگزاران فقط فرماندار و استاندار و رؤسای ادارات نیست؛ من و شما نیز به سهم خود یک کارگزار هستیم. آنها می‌خواهند کارگزاران را آلوده کنند تا زبانشان بسته شود. دو راه برای این آلودگی متصور است: یکی ثروت و مال و دیگری مسائل شهوی. ما باید هشیار و بیدار باشیم تا نه تنها ما بلکه وابستگان ما نیز آلوده نشوند.

یک عامل برای خسارت‌های زیادی که تا کنون به پیکره این نظام وارد شده، همین آلودگی بعضی از اطرافیان کارگزاران است. باید حواسمان جمع باشد، خودمان که

راضی نباشند، اما همین قدر عرض می‌کنم که زندگی ایشان از زندگی ما و متوسط مردم به مراتب پایین تر است. آیا این افتخار نیست؟ جای شکرگزاری ندارد؟ چرا بعضی متوجه و بیدار نمی‌شوند؟ عده‌ای دائماً طلبکارند و نقاط مثبت بی شمار این نظام را نمی‌بینند و چشمانشان جلوی پایشان را هم درست نمی‌بیند که در زیر این آسمان نبود تنها کشوری که به معنای واقعی کلمه مستقل است، ایران اسلامی است.

در همین قضیه جنگ عراق تنها ایران بود که در دنیا ایستاد و گفت: من حرف خودم را می‌زنم. کسی که از آرمانهای امام و اصولی که آن بزرگوار برای انقلاب و نظام ترسیم کرد، تا پای جان ایستاده و دفاع می‌کند و یک کلمه هم عقب نشینی نکرده است کیست؟ آیا او کسی جز ولی فقیه است؟

۳. آگاهی از جریانات و شرایط روز

این توقع وجود ندارد که هر کسی در متن جریانات باشد و از همه مسائل مطلع باشد؛ ولی یک مبلغ باید اصول را بشناسد و البته لازمه این سخن این

شود که این نظام در نظام فعلی دنیا نمی‌تواند مملکت را اداره کند. از همین جا شما می‌توانید سز و راز بعضی از آشوبها را متوجه شوید.

ج) جلوگیری از پیشرفت علمی

یکی از کارهای دشمن این است که نگذارد مردم ایران از علم روز و پیشرفت بهره‌مند شوند. بیست و چند سال است که دچار تحریم هستیم؛ حتی جلو صنایع و موادی که مصرف دوگانه دارد، یعنی می‌تواند هم در موارد عادی مصرف شود و هم احیاناً در موارد خاصی مورد استفاده قرار گیرد را می‌گیرند. البته این تحریم اقتصادی به تمام معنا چیز تازه‌ای نیست. در صدر اسلام نیز پیامبر اسلام ۳ سال در شعب ابی طالب تحریم اقتصادی شد و حتی غذا برای خوردن نداشتند. امروز دشمنان، جلوی فراگیری و اشاعه علم در مراکز آموزشی و تحقیقی ما را گرفته‌اند، ولی به لطف و کرم خداوند و حمایت‌های حضرت ولی عصر علیه السلام و با ابتکار جوانان پرشور و سعی و کوشش دلسوزان این نظام، امروز در این منطقه

الحمد لله از این مسائل بری هستیم، مواظب فرزندان و اطرافیان و دوستان و دفترهایمان نیز باشیم.

یک روحانی که منتسب به این نظام مقدس و سرباز حضرت ولی عصر علیه السلام و عهده دار مسئله خطیر تبلیغ است، نباید در هر جایی دیده شود، در هر مجلس شرکت کند و با هر کسی نشست و برخاست داشته باشد. دشمن گاهی را تبدیل به کوهی می‌کند.

این یک حربه شناخته شده در طول تاریخ است که از راه تطمیع و آلوده کردن افراد مقدس و مورد اعتماد مردم، کاری می‌کنند که دیگر حرفشان در میان مردم اثر نداشته باشد.

ب) القاء ناکارآمدی نظام:

یکی از نقشه‌های دشمن القاء ناکارآمدی نظام اسلامی در بین مردم است. الان بیست و چند سال از عمر انقلاب گذشته و سالی نبوده است که مسئله و مشکل نداشته باشیم. کودتا، توطئه، جنگ و ایجاد آشوب و بلبلا و هر روز یک نقشه تازه و ساز تازه، توسط دشمنان به پامی شود و مسئولان را چنان گرفتار می‌کنند تا چنین القاء

دچار هیجان کنند تا فرصت تحقیق و دانش اندوزی در آن مرکز علمی وجود نداشته باشد، برای همین است که می‌خواهند ما رشد علمی و پیشرفت نداشته باشیم.

۴. استفاده از متون اصلی اسلام

متون اصلی اسلام اعم از تفسیر، روایات، دعا‌های مأثور و تاریخ اسلام مالا مال از معارف دین است.

مکتب تشیع مکتبی پربار و غنی است؛ حتی دعا‌هایی که از امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است، معارف بلندی را ارائه می‌کند.

مبلغان محترم در منطقه تبلیغی خود، مرجع مردم هستند و باید بر اساس محتوای غنی اسلامی که از متون اصلی دین استخراج می‌شود، پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشند.

۵. پرهیز از بیان مطالب بی‌اساس

در صورتی که مردم سؤالی را مطرح کنند که مبلغ آن را نمی‌داند، سریع بگویند نمی‌دانم و بعداً جواب را برایتان می‌آورم. این برخورد، از ارائه پاسخهای غلط و بدون مدرک بهتر است و اصلاً وظیفه مبلغ، دادن پاسخ

از جهان یکی از قویترین کشورها هستیم و اخیراً از زبان مقامات بزرگ جمهوری اسلامی؛ رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) و همچنین ریاست محترم جمهور، شنیده‌ایم که صاحب تکنولوژی غنی سازی اورانیوم هستیم.

این یک قدم بسیار بلند است. البته ما هرگز در صدد استفاده و بدست آوردن سلاحهای مخرب نیستیم و نخواهیم بود. این با اساس اعتقادات ما سازگار نیست؛ اما در جهت صلح آمیز مثل - تولید نیروی برق - از آن بهره‌مند خواهیم شد.

الان جوسازی را شروع کرده‌اند و از همه جهات به ما فشار آورده‌اند که باید فلان قرارداد را امضاء کنید، ما را در محدوده خاصی زندانی و محصور می‌کنند و به ما اجازه پیشرفت نمی‌دهند. این تنها یک نمونه از هزاران اقدام است.

اگر می‌بینید در گوشه و کنار سر و صدا می‌کنند و فریاد می‌زنند و می‌خواهند محیط علمی و تحقیق ما را

صحیح از دین است.

۶. حسن استفاده از اعتماد به

روحانیون

از اعتمادی که در سایه نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبری بزرگوار آن و تلاش و مجاهدت عالمان پارسا و با اخلاص، به روحانیون پیدا شده است باید استفاده نیکو کرد. مردم، روحانی را امین، رازدار، محرم و همه کاره خود می دانند. روحانی در نامگذاری فرزندان، تربیت فرزندان، رفع اختلافات خانوادگی و در همه خیر و شرّ مردم دخالت دارد و مورد اعتماد آنان است.

این اعتماد آسان بدست نیامده است و حاصل قرن‌ها تلاش و مجاهدت عالمان دین است؛ از اینرو باید روز به روز تقویت گردد. در محل تبلیغ، مردم نگاه می کنند تا ببینند این آقا چه می گوید، کجا می رود و با چه کسی رفت و آمد می کند.

۷. توجه به همه مردم

با همه مردم خوب باشید و ارتباط برقرار کنید؛ اما به افراد و گروه‌های خاصی بیشتر توجه کنید. برخی از این

گروه‌های خاص را در اینجا معرفی می کنیم:

الف) جوانان

جوانان را در محلّ مأموریت خود دریابید. پیرمردها و پیرزن‌ها عمر خود را در مسجد گذرانده‌اند و به این سادگی از آن جدا نمی شوند؛ ولی جوانان اولاً در معرض تهدید دشمنند و ثانیاً سؤالات زیادی در ذهن دارند که باید پاسخ منطقی آن را بیابند. جوانان بیشتر نیازمند نوازش هستند و اگر ساخته شوند، هر کدام از آنان سرباز دلاوری برای دفاع از تشیّع و حضرت ولی عصر علیه السلام خواهند بود.

ب) خانواده شهدا

باید رفت و آمد شما با خانواده شهدا محکم باشد. همین الان رهبر معظم انقلاب با همه گرفتاریهایی که دارند، لحظه‌ای از یاد این خانواده‌ها غافل نیستند و هر از چند گاهی شبانه به خانه‌های این عزیزان سر می کشند. گاهی در یک شب به سه، چهار و یا پنج خانواده بدون خبر قبلی سرکشی می کنند. بیان خاطره بعضی از این ملاقاتها بسیار جذاب و شورانگیز است.

عکسها را آوردند. ایشان با دست اشاره کردند و فرمودند: این برادر بزرگ کجا شهید شده است؟ گفتند: در فلان عملیات، در فلان منطقه.

آن یکی کجا شهید شده است؟ گفتند: در فلان عملیات، فلان منطقه.

ایشان چکاره بودند؟

گفتند: ارتشی بود.

ایشان چکاره بودند؟

گفتند: سپاهی بود.

فرمودند: می شود از شهیدانت

برای من بگویی؟

عرض کرد: آقا! وقتی پسر اولم -

که ارتشی بود - شهید شد، مرا از طریق

بنیاد شهید به مکه بردند. ما مدینه اول

بودیم و بعد از مدینه به مکه رفتیم. در

مکه معظمه کارها تمام شد و در شرف

برگشت بودیم، در آن ساعت‌های آخر که

دیگر قرار بود حرکت کنیم و به جدّه

بیائیم تا برای پرواز به سوی ایران آماده

شویم، من در اتاقم در مسافرخانه

نشسته بودم، نماز می خواندم و منتظر

بودم تا اعلام حرکت کنند. همینطور که

رسم آقا بر این است که وقتی وارد می شوند، پدر شهید را دست راست یا چپشان و مادر شهید را طرف دیگر و اگر فرزندی داشته باشد روی زانویشان می نشانند و دست محبت روی سر و صورت آنها می کشند و با کمال صمیمیت و یگانگی؛ مثل عضو یک خانواده، با آنها حرف می زنند.

گاهی وقتی وارد می شوند، چون پدر و مادر شهید از قبل خبر نداشته اند که آقا به خانه آنها می آیند - آن هم در کوچه های پرت و پلای جنوب شهر و خانه های محقر - تا در را باز می کنند و چشمشان به صورت نورانی آن بزرگوار می افتد، باورشان نمی شود، زبانشان بند می آید و می خواهند سلام کنند اما نمی توانند.

چند سال قبل، شبی در خدمت ایشان بودیم تا به یک خانواده شهید سر بزیم. این خانواده دارای دو شهید بود. آقا از مادر شهید سؤال کردند: عکسهای این شهیدان هست؟

گفتند: بله.

فرمودند: بیاورید بگذارید جلوی

من.

سر سجّاده‌ام بودم، دیدم خانمی به اتاق من وارد شد، سلام کرد و اسم مرا بُرد و به من فرمود: فلانی تو به تهران برمی‌گردی در حالی که فرزند دَوَم تو هم شهید شده است؛ شما با هم به تهران می‌رسید. همین الان، در همین فرصت کمی که داری، یک بُرْد یمانی تهیه کن، با آب زمزم بشوی، دور خانه خدا طواف بده و با خودت ببر.

بدون اینکه توجّه داشته باشم که او کیست و از کجا نام مرا می‌داند، گفتم: خانم! من همه پولهایم را خرج کرده‌ام و پولی ندارم. فرمود: زیر سجّاده‌ات پول هست، بردار و برو.

او خداحافظی کرد و رفت و من به خود آمدم که او چه کسی بود؟ سجّاده‌ام را کنار زدم، دیدم یک پنجاه ریالی نو زیر سجّاده است. آن را برداشتم و با عجله به بازار بردم، بُرد را تهیه کردم و با آب زمزم شستم و طوافش دادم و باخودم به ایران آوردم. وقتی که به فرودگاه رسیدیم، به من اعلام شد که از ستاد معراج جنازه فرزند تو را می‌آورند. با هم به منزل رفتیم و در محله ما غوغایی برپا شد.

مدتها مردم می‌آمدند و می‌رفتند و تعزیت می‌گفتند، تا اینکه شبی همین پسر دوم را در خواب دیدم. به او گفتم: چطوری؟ گفت: من خیلی خوبم. گفتم: برادرت کجاست؟ گفت: او با ما نیست؛ جای دیگری است، ولی وضع او هم خیلی خوب است. گفتم: تو کجا هستی؟ گفت: من و تعدادی از دوستانم در آسمان چهارم در خدمت عیسی مسیح علیه السلام هستیم و زمانی که حضرت ولی عصر علیه السلام ظهور بفرمایند به همراه حضرت عیسی علیه السلام به زمین خواهیم آمد و در رکاب حضرت ولی عصر علیه السلام خواهیم بود.

آنچنان این زن آن جلسه را منقلب کرد که همه ما اشک می‌ریختیم. جالب اینجاست که این زن سواد نداشت و این ماجرا را تعریف می‌کرد. این در حالی است که بسیاری از باسوادها نمی‌دانند که یکی از یاران حضرت مهدی علیه السلام، حضرت عیسی مسیح علیه السلام است و جاییش در آسمان چهارم می‌باشد.

زمانی که مقام معظم رهبری به

خانواده شهدا سر می‌زند یا آنها به خدمت آقا می‌رسند، ایشان با تمام وجود به آنها توجه دارند.

تذکر این نکته برای حساس سازی مبلغان محترم نسبت به خانواده شهدا بود.

یکی از چیزهایی که دشمن با آن مبارزه می‌کند، مکتب شهادت است و این یکی از ارزشهای اسلامی است که امام امت آن را زنده کرد.

ج) رزمندگان، ایثارگران و بسیجیان

دسته دیگری که در محل تبلیغ باید مورد عنایت ویژه قرار گیرند، رزمندگان و ایثارگران و بسیجیان هستند، یعنی همان کسانی که پای نظام ایستاده‌اند و خواب خوش را برای پاسداری از نظام بر خود حرام می‌کنند.

اگر می‌بینید امروز بعضی از افراد نادان در حرفها و تظاهراتشان به بسیج اهانت می‌کنند، دلیلش این است که اینها سربازان بدون مزد و مواجب نظام هستند، اینها کسانی هستند که اگر دو لب مبارک رهبر برای استمداد و یاری بجنبد، دیگر به سن و سال و شغل خود نگاه نمی‌کنند و برای دفاع از نظام

اسلامی حرکت می‌کنند.

د) مستمندان و بیچارگان

متأسفانه در کشور ما کم نیستند کسانی که حتی در تأمین مخارج روزانه‌شان مانده‌اند. البته رفع همه نیازمندیهای نیازمندان در توان من و شما نیست؛ اما این حدیث نبوی را نباید فراموش کرد که: «الْكَفْمُ لَنْ تَسْمُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَمُّوهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ اللَّقَاءِ!»؛ شما هرگز نمی‌توانید با اموال خود بر مردم احاطه کرده [و آنها را بی‌نیاز کنید]؛ پس با خوش‌رویی و خوش‌برخوردی آنها را در برگیرید.»

اگر می‌توانیم باید مشکل را برطرف کنیم و اگر نمی‌توانیم حداقل به نیازمندان دلداری بدهیم و با خوش‌رویی غمی از دل آنان برداریم.

۸. تواضع و نرم‌خویی

ما خدمتگزار مردم هستیم نه رئیس آنان. خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ «اگر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۱؛ بحار الانوار،

ج ۶۸، ص ۳۸۴.

۲. آل عمران/ ۱۵۹.

مَغْصِيَّةٍ إِلَّا وَأَتْنَا هِيَ قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر آنکه پیش از آن خود عمل می‌کنم، و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم جز آنکه خودم پیش از آن ترک می‌کنم.»

امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَمَنَارًا، كَانُوا دُعَاةً إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَمَجْهُودٍ طَاقَتِهِمْ؛^۲ خداوند آن گروه را رحمت کند که وسیله روشنایی و نورافشانی‌اند؛ آنان با اعمال و بکارگیری نهایت توان خود، دعوت کننده [مردم] به سوی ما هستند.»

همچنین فرمودند: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَفْعَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا؛^۳ هر گاه عالم به علم خود عمل نکند، موعظه‌اش از دلها می‌لغزد، همانگونه که باران از روی سنگ سخت می‌لغزد.»

خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.» و همینطور می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛^۱ «تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچنان متواضع بود که اگر ناشناسی وارد مجلس او می‌شد، می‌گفت: «أَيُّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ؟» کدامیک از شما پیغمبر خدا هستید؟ اگر انسان متواضع باشد می‌تواند از نظرات تک تک افراد جامعه بهره‌مند شود. اگر مردم بتوانند با آرامش و بدون هراس و ترس و ملاحظه با روحانی محل خود حرف بزنند، نظرات خود را مطرح می‌کنند و روحانی می‌تواند از نظرات آنان استفاده کند. یکی از آثار تکبر و خودبزرگ‌بینی، تنها ماندن و محروم شدن از نظرات و یاری دیگران است.

۹. عمل به گفته‌ها

مبلغ دینی باید به گفته‌های خود عمل کند و آنچه را از مردم می‌خواهد، خود به آن پایبند باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۱۷۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْسَبُكُمْ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَأَسْبَقْتُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنهَاكُمْ عَنْ

۱. قلم/۴.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۹؛ تحف العقول،

ص ۳۰۱.

۳. هسمان، ج ۲، ص ۳۹؛ کافی، ج ۱، ص ۴۴؛ منبه

المرید، ص ۱۴۶ و ۱۸۱.